

دوره سوم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۵، صفحات ۲۷۸ تا ۲۸۸ http://ch.sbmu.ac.ir	سلامت اجتماعی مجله مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت	مقاله اصیل
--	--	---------------

سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان: با نقش میانجی هوش هیجانی

الهام قربانیان^۱، هادی محمدلو^۱، مجتبی حبیبی عسگرآباد^{۲*}، فاطمه حسن آبادی^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استادیار روانشناسی سلامت، انستیتو روانپزشکی تهران، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: مجتبی حبیبی عسگرآباد، انستیتو روانپزشکی تهران، دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، تهران، ایران
mo_habibi@sbu.ac.ir

تاریخ پذیرش: تیر ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: خرداد ۱۳۹۵

نحوه استناد به این مقاله:

Ghorbanian E, Mohammadloo H, Habibi Asgarabad M, Hasanabadi F. Attachment Style and Social Skills of Children: The Function of Mediator Emotional Intelligence. *Community Health* 2016; 3(4):278-88.

چکیده

زمینه و هدف: تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که امکان ابتلا به اختلالات روانی در کودکان مقیم در مراکز نگهداری بالاست. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی کودکان مقیم در مراکز نگهداری بهزیستی براساس سبک دلبستگی آنان و تعیین نقش مداخله‌ای هوش هیجانی انجام شد.

روش و مواد: این مطالعه توصیفی و از نوع همبستگی بود. ۴۰۰ کودک (۲۴۰ پسر و ۱۶۰ دختر) از مراکز نگهداری شهر تهران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش سه پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی و سبک دلبستگی بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار LISREL استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، سبک دلبستگی افزون بر اثر مستقیم بر مهارت‌های اجتماعی به صورت غیرمستقیم نیز از طریق متغیر میانجی هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی اثرگذار است. بین متغیر مکنون برون‌زای سبک‌های دلبستگی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۶۰ و ۰/۳۲، بین متغیر مکنون درون‌زای هوش هیجانی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۴۱، ۰/۴۵ و ۰/۹۴ و بین متغیر مکنون درون‌زای مهارت‌های اجتماعی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۳۵، ۰/۵۰، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ وجود داشت و تمام این مسیرهای علی معنادار بودند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت و ضرورت مهارت‌های اجتماعی کودکان و پیامدهای آن در زندگی آن‌ها، شناخت عوامل محیطی از قبیل سبک دلبستگی و عوامل فردی از قبیل هوش هیجانی، می‌تواند به شناخت عمیق عوامل مؤثر بر تحول مهارت‌های اجتماعی در کودکان، به منظور ارائه راهبردهای مناسب منجر شود.

واژگان کلیدی: دلبستگی، کودکان، مراکز نگهداری، مهارت اجتماعی، هوش هیجانی

مقدمه

چگونگی تعامل والدین و کودک نقش اساسی در تحول طبیعی و به‌هنگار کودک ایفا و در مقابل انحراف از تحول رفتارهای دلبستگی، عدم حمایت و مراقبت والدین، کودکان را مستعد اختلال‌های روانی در بزرگسالی می‌کند (۱). اکتساب مهارت‌های اجتماعی در کودکان بخشی از مسأله اجتماعی شدن آنان است و فرآیندی که در آن

بی‌سرپرستی یکی از پدیده‌هایی است که فشار روحی فراوان را در گروه‌های سنی خاص از جمله کودکان ایفا می‌کند. مرگ والدین، مشکلات جسمانی و روانی، طلاق والدین، مشکلات خانوادگی و مالی از مهم‌ترین دلایل سپردن کودکان به پرورشگاه است. از سوی دیگر،

دچار اختلال روانی نسیتند، برای سازگاری اجتماعی و عملکرد اجتماعی افراد ضروری است (۱۰).

Bowlby بیان می‌کند که در شکل‌گیری و تحول مهارت های اجتماعی کودکان، پاسخ‌دهی والد به نیازهای کودک در دوران کودکی، نقش مهمی دارد (۱۲). افراد در نتیجه تعامل با مراقبت‌کننده‌های دوران کودکی خویش، به انتظاراتی درباره روابط اجتماعی و تجسم‌هایی از خود در رابطه با افراد مهم زندگی خویش، دست می‌یابند. پژوهش‌های بسیاری بر رابطه میان دلبستگی و تحول مهارت‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند (۱۳). تعامل مناسب و شایسته والد-کودک و وجود فضای ایمن بین آن دو باعث احساس ایمنی و اعتماد بیشتر در کودک می‌شود و این به او کمک می‌کند تا بتواند از والدین به خصوص مادرش به عنوان پایگاهی ایمن استفاده کند، به این معنا که ایمنی و آرامش مورد نیاز را از او به دست آورد و به هنگام احساس خطر و ترس و نایمنی به او پناه ببرد و به طور کلی به اتکای وجود چنین پایگاهی به اکتشاف دنیای بیرون و گسترش مهارت‌های اجتماعی و توانایی هایش قدم بردارد (۱۴ و ۱۵). هم‌چنین بر اساس نظریه کردارشناسی، دلبستگی عامل مهمی در تأمین رشد عاطفی و اجتماعی کودک در سال‌های بعدی زندگی او است. سیستم اکتشافی که ارتباط نزدیکی با سیستم دلبستگی دارد، با ارائه اطلاعاتی درباره محیط، چگونگی استفاده از ابزار، ساخت وسایل، به دست آوردن غذا، برطرف کردن موانع فیزیکی، بقای کودک را تأمین می‌کند و باعث تحول مهارت‌های اجتماعی کودک می‌شود (۱۴). دلبستگی بر رشد اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد، بدین ترتیب که او به دلیل دلبستگی به والدین خود ارزش‌ها و معیارهای افرادی را که از او مراقبت می‌کنند یعنی والدینش را می‌پذیرد (۱۶). به علاوه با تعامل‌های اولیه کودک با مراقبان در طول دوره کودکی، او قوانین اساسی مربوط به تعامل و روابط متقابل و ارتباط با دیگران را هم‌زمان یاد می‌گیرد (۱۷). آن‌ها هم‌چنین اعتقاد دارند که دلبستگی ایمن تعامل‌های بین فردی از قبیل اعتماد به نفس، خودکارآمدی، عزت نفس و مهارت های اجتماعی کودکان را پرورش می‌دهد.

هنجارها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار فرد شکل می‌گیرد (۲). به عقیده Vygotsky و Bandura تعامل اجتماعی یک فن و منبع غیرقابل اجتناب از رشد روانی کودکان است. کودکان در تعامل با دیگران یاد می‌گیرند که چگونه رفتار و قضاوت کنند (۳). مهارت‌های اجتماعی بیشتر به عنوان مجموعه پیچیده‌ای از مهارت‌ها در نظر گرفته شده است و سه مؤلفه مشارکت، ابراز وجود و مهار خود را در برمی‌گیرد که شامل ارتباط، حل مسأله، تصمیم‌گیری، خود مدیریتی، جرأت‌ورزی، تعامل با همسالان و گروه می‌شود (۴). مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان مهارت‌های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و نیز حفظ روابط بین فردی رضایت‌بخش تعریف شود (۵). به منظور موفقیت و پیشرفت تحصیلی، وجود دو مؤلفه هوش و مهارت اجتماعی در کنار یکدیگر ضروری به نظر می‌رسد. امروزه توجه و تأکید بیشتر مدارس به افزایش سطح هوش دانش‌آموزان متمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انگاشته می‌شود، در حالی که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره هوشی مناسب، فاقد مهارت اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند (۶).

نارسایی در مهارت‌های اجتماعی می‌تواند مشکلات تحصیلی، اجتماعی و اثرات منفی را در زندگی آینده به بار آورد (۷). کودکانی که مهارت اجتماعی کافی کسب کرده‌اند، در ایجاد رابطه با همسالان و یادگیری در محیط آموزشی موفق‌تر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت هستند (۸). چرا که مهارت‌های اجتماعی مطلوب، سبب بهبود روابط بین فردی، رشد اجتماعی و استقلال‌طلبی می‌شود (۹). هم‌چنین اگر در اشخاص مهارت‌های اجتماعی دچار مشکل شود، آن‌ها خود و دیگران را به طور منفی ارزیابی می‌کنند و از تعاملات اجتماعی خود، کمتر راضی و خشنود می‌باشند (۱۰). بسیاری از کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی دارای مشکل هستند، توسط همسالان خود مورد پذیرش واقع نمی‌شوند و در معرض ابتلا به انواع نا بهنجاری‌های رفتاری و عاطفی قرار دارند (۱۱). به طور کلی مهارت‌های اجتماعی در افراد، چه افرادی که دچار اختلال روانی هستند و چه افرادی که

از طرف دیگر، دلبستگی برای رشد روانی، طبیعی و شکل گیری شخصیت سالم و روابط هیجانی مطلوب ضروری است. Brenning و Breat معتقدند، تعامل‌های اولیه کودک با مراقب و نوع دلبستگی، منجر به راهبردهای متفاوت در تنظیم هیجانی بعدی می‌شود (۱۸). توانایی فرد در تنظیم هیجانی، رشد فراخود و ایجاد همدلی همه مستلزم داشتن یک دلبستگی ایمن است (۱۹). کودکانی که رابطه دلبستگی ایمن دارند، از نظر هیجانی خود را بیان می‌کنند، درک بهتری از هیجان‌ها دارند و به عبارتی هوش هیجانی بالاتری دارند و در مقایسه با کودکان نایمن، در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند (۲۰). هوش هیجانی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساس‌ها، انگیزش و مهار هیجان‌ها در زمینه فردی و روابط اجتماعی اشاره دارد (۲۱). در ادبیات پژوهشی، هوش هیجانی به دو شکل مفهوم‌سازی شده است. در شکل نخست، آن را مجموعه توانایی‌های عقلی و ذهنی می‌دانند که شامل ادراک درست هیجان‌ها، استفاده از آگاهی هیجانی در تسهیل جریان تفکر، درک و شناخت هیجان‌ها و تمایز بین آن‌ها و همچنین تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران است (۲۲). در مفهوم‌سازی دوم، هوش هیجانی به توانایی‌های غیرشناختی اشاره دارد که به مثابه شایستگی‌ها و رگه‌های شخصیتی مانند همدلی، انگیزش، انسجام و خون گرمی، مدل‌سازی شده و به عنوان عاملی در تحول مهارت‌های اجتماعی شناخته می‌شود (۲۳). توانمندی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی، از عوامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر کیفیت روابط و مهارت اجتماعی به شمار می‌آید (۲۲). Thorndik بر این باور است که توانایی‌های اجتماعی یا به عبارت دیگر مهارت اجتماعی، برگرفته از هوش هیجانی است. هوش هیجانی با میزان توانایی فرد در ابراز همدلی با دیگران رابطه دارد. توان همدلی با دیگران به ویژه به فرد کمک می‌کند تا در ابعاد مردم‌آمیزی و صمیمیت در حوزه روابط اجتماعی کارکردی موفق‌تر داشته باشد. بر این اساس، هوش هیجانی از راه همدلی، مشکلات بین شخصی را کاهش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت مهارت اجتماعی می‌شود. هرچه سطح هوش هیجانی فرد بالاتر باشد، ادراک هیجانی وی نیز افزایش می‌یابد. این

سطح از ادراک، با افزایش قدرت ارزیابی محرک‌های محیطی و بالا بردن توان برقراری روابط عاطفی و ابراز همدلی، کنش‌وری سازش‌یافته فرد را افزایش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت مهارت اجتماعی می‌شود (۲۴). پژوهش‌های Thorsteinsson, Malouff, Schotte, Bhullar و Rooke، عباسی و حبیبی نیز حاکی از ارتباط بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشند (۲۵ و ۲۶).

مرور پژوهش‌های انجام شده پیرامون متغیرهای سبک دلبستگی، هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی و ارتباط این سه متغیر حاکی از آن است که بیشتر مطالعات انجام شده در مورد عوامل مؤثر بر مهارت‌های اجتماعی، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع، مطالعات اندکی به بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای در این رابطه پرداخته است. لذا با توجه به اهمیت هوش هیجانی در ارتباط با سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی، هدف این پژوهش تعیین اهمیت نقش میانجی هوش هیجانی میان دو متغیر سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی بود.

روش و مواد

مطالعه حاضر به روش همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه کودکان ۷ تا ۱۲ ساله مقیم در مراکز تحت سرپرستی شبانه روزی بهزیستی استان تهران (۹۵-۱۳۹۴) می‌باشد. از جامعه آماری فوق تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا از میان مناطق ۲۲ گانه تهران، ۱۲ منطقه به طور تصادفی انتخاب و از هر کدام از این ۱۲ مناطق دو مرکز نگهداری پسرانه و ۲ مرکز نگهداری دخترانه، در مجموع، ۴۸ مرکز انتخاب شدند. گروه نمونه شامل ۲۴۰ نفر پسر و ۱۶۰ نفر دختر بودند.

جهت سنجش دلبستگی از مقیاس دلبستگی در کودکی میانه استفاده شد. ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی این مقیاس توسط رونقی، دلاور و مظاهری برای سنجش دلبستگی کودکان ۱۲-۶ ساله انجام شده است (۲۷). این مقیاس دارای ۲۸ سوال و به سبک هارتر ساخته شده است، در این سبک جملات به صورت دوتایی ارائه می‌شوند که اولین جمله نشان‌دهنده رفتار ایمن و دومین

هیجان‌ها و ارزیابی هیجان‌ها را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) می‌سنجد. مقیاس هوش هیجانی گرچه از سه مؤلفه پیش گفته اشباع شده، تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی به دست می‌دهد که دامنه آن از ۳۳ تا ۱۶۵ است. مطالعه این مقیاس در میان کودکان برای هوش هیجانی کل، روایی ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۶ و ۰/۵۵ گزارش شده است (۳۲). همچنین Minsky روایی مقیاس مربوطه را با سنجش همبستگی آن با سازه‌های مرتبط، کافی گزارش کرده است (۲۴). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در نمونه ایرانی نیز برای هوش هیجانی کل، ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های نام برده به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۷ و ۰/۵۰ گزارش شده است. در مطالعه حاضر میزان آلفای کرونباخ برای هر کدام از زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۸۸ بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار LISREL انجام شده است.

یافته‌ها

میانگین سنی آزمودنی‌های شرکت کننده ۱۱/۵ سال، که ۰/۵۳ در بین ۱۰ تا ۱۲ و ۰/۴۷ در بین ۷ تا ۱۰ سال قرار داشتند. ۱/۲۳٪ این کودکان در پایه چهارم، ۶/۱۷٪ در پایه پنجم، ۳/۱۲٪ در پایه ششم، ۴/۷٪ در پایه اول، ۶/۱۵٪ در پایه دوم و ۲۴٪ نیز در پایه سوم مشغول به تحصیل بودند.

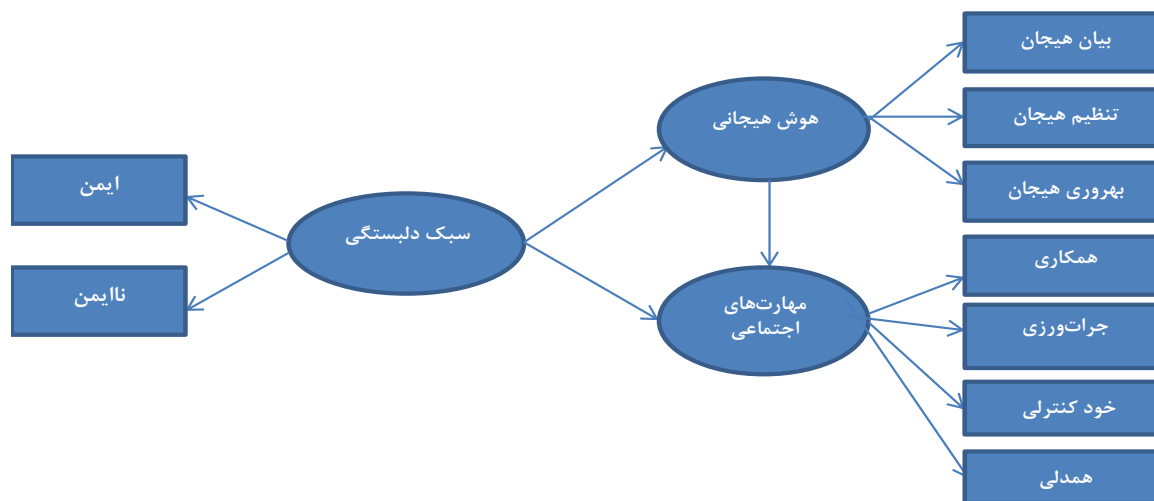
مدل مفروض این پژوهش، به علت وجود خرده مقیاس‌ها برای هر مقیاس و در نتیجه به دلیل وجود متغیر مکنون، از نوع SEM است. در این مطالعه با روش بیشینه درشت‌نمایی پارامترهای استاندارد شده مربوط، یک متغیر مکنون برونزا (مستقل) به نام سبک دلبستگی، و دو متغیر مکنون درونزا به نام‌های هوش هیجانی به عنوان متغیر میانجی و مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر وابسته وجود دارد.

پارامترهای ضریب مسیر در مدل ساختاری که همان ضریب بتا در معادله رگرسیون هستند، ضرایب مسیر بین متغیر مکنون و نشانگرهای (متغیرهای اندازه‌گیری شده) آن همراه با واریانس خطای نشانگرها در مدل اندازه‌گیری بدین شرح است: بین متغیر مکنون برون زای

جمله نشان‌دهنده رفتار اضطرابی یا اجتنابی می‌باشد. نمره‌هایی که فرد در هر یک از این دو مؤلفه دریافت می‌کند، روی یک نمودار دارای دو محور عمودی (اجتناب) و افقی (اضطراب) قرار گرفته و جای شخص از نظر طبقه بندی دلبستگی او مشخص می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب ۰/۸۲٪ و برای اجتناب ۰/۹۰٪ می‌باشد. برای تعیین پایایی مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شده است. همبستگی نتایج بین اجرای اول و اجرای مجدد در مؤلفه اضطراب ۰/۵۲ و در مؤلفه اجتناب ۰/۵۶ بوده که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین نتایج، تأییدکننده روایی هم‌زمان آزمون می‌باشد. در مطالعه حاضر میزان آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس دلبستگی ناایمن ۰/۸۹ برای دلبستگی ایمن ۰/۹۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۹ بود. برای سنجش مهارت اجتماعی از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی فرم دانش‌آموز Gresham و Eliot استفاده شد (۲۸). این پرسشنامه برای سه مقطع پیش دبستان، دبستان و راهنمایی-دبیرستان ساخته شده است (۲۹). همچنین این پرسشنامه دارای سه فرم معلم، والدین و دانش‌آموز است. لازم به ذکر است فرم دانش‌آموز دارای دو فرم مخصوص کلاس‌های سوم تا ششم و کلاس هفتم تا دوازدهم است، که در این پژوهش از فرم مخصوص کلاس سوم تا ششم استفاده شده است. زیرمقیاس‌های فرم دانش‌آموز عبارتند از همکاری، جرأت‌ورزی، خودکنترلی و همدلی. در نمره گذاری این پرسشنامه به گزینه "هرگز=۰" "بعضی اوقات=۱" و "اغلب اوقات=۲" داده می‌شود. بر پایه یافته‌های Gresham و Eliot ضریب آلفای کرونباخ برای مهارت‌های اجتماعی ۰/۹۴ می‌باشد (۲۸). در ایران نیز شهیم، پایایی این مقیاس را طی چند بررسی بر روی یک گروه از کودکان گزارش کرده که از ۰/۴۹ تا ۰/۹۶ متغیر بوده است (۲۹). در مطالعه حاضر نیز میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۰ بود. جهت سنجش هوش هیجانی از مقیاس هوش هیجانی که یک آزمون ۳۳ سوالی است و به وسیله Schotte و همکاران براساس الگوی هوش هیجانی Mayer و Salovey ساخته شده است (۳۰ و ۳۱). پرسش‌های آزمون سه مقوله سازه هوش هیجانی شامل تنظیم هیجان‌ها، بهره‌وری از

سبک‌های دلبستگی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۶۰ و ۰/۳۲، بین متغیر مکنون درون زای هوش

هیجانی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۴۱، ۰/۴۵ و ۰/۹۴ و بین متغیر مکنون درون زای مهارت‌های



مدل مفهومی پیشنهادی

جدول شماره ۲- تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

P	خطای استاندارد برآورد	پارامتر استاندارد شده	پارامتر استاندارد نشده	جهت مسیر	
۹/۰۱	۰/۰۳	۰/۱۵	۰/۴۰	سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی	۱-۲- اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان
۱۸/۸۹	۰/۲۵	۰/۹۹	۱/۸۹	سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی	۲-۲- اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر هوش هیجانی کودکان
۱۸/۲۹	۰/۲۰	۰/۹۵	۰/۴۵	هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی	۳-۲- اثر مستقیم هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان
۱۰/۰۳	۰/۳۵	۰/۴۵	۰/۹۵	سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی، مهارت‌های اجتماعی	۴-۲- اثر غیر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی
۱۴/۱۲	۰/۲۵	۱/۹۵	۲	سبک‌های دلبستگی، مهارت‌های اجتماعی	۵-۲- اثر کلی سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی

RMR به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۰۵۰ هستند و از آنجایی که کمتر از ۰/۰۸ هستند، برازش خوبی را نشان می‌دهند. در کل شاخص‌های برازش مدل، حاکی از برازش مناسب بین داده‌ها و مدل پیشنهادی هستند.

مسیر ۱-۲ نشان دهنده اثر مستقیم متغیر سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان است. ضریب مسیر استاندارد شده (β)، ۰/۱۵ است. بر اساس آزمون معناداری t، مقدار باید ۲/۱ بالاتر باشد تا این مسیر تأیید شود. بنابراین مسیر سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان از لحاظ آماری معنادار است ($P < ۰/۰۱$).

اجتماعی و نشانگرهای آن به ترتیب ضریب مسیر، ۰/۳۵، ۰/۵۰، ۰/۹۰، ۰/۸۵ وجود دارد. شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی این مطالعه در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: شاخص‌های برازش مدل

SRMR	RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2
۰/۰۵۰	۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۸	۱۵۹۸/۹

طبق جدول شماره ۱، شاخص مجذور خی ۱۵۹۸/۹ و غیرمعنادار است که برازش خوبی را نشان می‌دهد. مقادیر CFI, GFI, AGFI به ترتیب ۰/۹۸، ۰/۹۲ و ۰/۹۲ هستند، چون این شاخص‌ها بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشند، این مدل برازش مناسبی با داده‌ها دارد. مقادیر RMSEA و

ضریب مسیر مستقیم سبک‌های دلبستگی روی مهارت های اجتماعی و ضریب غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی از طریق نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای است، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < 0.01$ ، $\beta = 1/95$ ، $S.E = 0/25$ ، $t = 14/12$).

بحث

مطالعه نشان داد سبک دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای همبستگی است. طبق مسیر ۱-۲ ضریب استاندارد شده این مسیر معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی اثر مستقیم می‌گذارد. بنابراین زمانی که کودکان در سبک دلبستگی ایمن باشند، احتمالاً دارای مهارت اجتماعی قوی هستند. به عبارتی با داشتن تجربیات متعدد و موفق و کسب آرامش و امنیت از یک مراقب حساس و پاسخگو، کودک خود به یک سبک دلبستگی ایمن دست می‌یابد و قادر به تنظیم هیجانات و توسعه مهارت‌های اجتماعی می‌شود (۳۳). فراتحلیل‌های انجام شده نشان داد که بین کیفیت دلبستگی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. میزان پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی شاخصی از ناسازگاری بود (۳۴). همچنین در مطالعه صفایی (۳۵) نتایج نشان داد که سبک دلبستگی می‌تواند رشد اجتماعی را پیش بینی کند (۳۵). به گونه‌ای که دلبستگی ایمن با رشد اجتماعی بیشتری همراه است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که با استناد به این که تردید، تعارض، تخصص، درماندگی و آشفتگی جز ویژگی های افراد با سبک دلبستگی نایمن است، این افراد به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار نا بهنجار در موقعیت تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌گیرند و همین امر مایه ناکامی در روابط میان فردی و در نهایت ایجاد مشکلاتی در رشد مهارت اجتماعی خواهد بود.

در مسیر ۲-۲ اثر مستقیم سبک دلبستگی بر هوش هیجانی کودکان گزارش شده است. مسیر علی سبک دلبستگی بر هوش هیجانی کودکان تأیید شد و همان‌طور که نشان داده شد، نتایج نشانگر معناداری مثبت این رابطه می‌باشد. به نظر می‌رسد زمانی که کودکان دارای سبک دلبستگی ایمن باشند، از هوش هیجانی قوی در برخورد با مسایل و مشکلات روزمره برخوردار هستند که

بین سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی همبستگی وجود دارد. براساس مسیر ۲-۲، می‌توان نتیجه گرفت که ضریب مسیر سبک‌های دلبستگی به هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است ($P < 0.01$ ، $t = 18/89$ ، $SE = 25$ ، $\beta = 0/99$) و میزان واریانس هوش هیجانی که توسط سبک دلبستگی کودکان تبیین می‌شود، ۰/۴۰ می‌باشد. براین اساس، سبک دلبستگی و هوش هیجانی کودکان، همبستگی معناداری دارند و سبک‌های دلبستگی بر هوش هیجانی به طور مستقیم اثر می‌گذارد.

براساس مسیر ۲-۳، اثر مستقیم هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج، ضریب مسیر هوش هیجانی به مهارت‌های اجتماعی کودکان از لحاظ آماری معنادار است ($P < 0.01$ ، $t = 18/29$ ، $SE = 20$ ، $\beta = 0/95$)، پس بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی کودکان همبستگی معنادار وجود دارد.

برای این‌که نقش میانجی هوش هیجانی را بین سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان بررسی کنیم، باید اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی، اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت های اجتماعی کودکان و اثر کلی آن، که مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم است، را مورد بررسی قرار دهیم. در فرضیه اول، اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی تأیید شد. در مسیر ۲-۴، به اثرهای غیرمستقیم و کلی آن پرداخته شده است. در مسیر ۲-۴ نقش میانجی متغیر هوش هیجانی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج جدول، اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان از طریق هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است ($P < 0.01$ ، $t = 10/03$ ، $S.E = 0/35$ ، $\beta = 0/45$). می‌توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی، نقش میانجی را بین سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان دارد.

در مسیر ۲-۵، اثر کلی متغیر سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان ارائه شده است. با توجه به جدول می‌توان نتیجه گرفت که ضریب مسیر کلی سبک های دلبستگی به مهارت‌های اجتماعی که حاصل جمع

اجتماعی دانش‌آموزان گروه سنی ده تا ۱۲ سال رابطه معناداری وجود دارد (۴۳). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ترتیب و قویت هوش هیجانی می‌تواند در تربیت مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی مؤثر واقع شود. در مسیر ۲-۴ اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان گزارش شده است. با توجه به نتایج جدول، اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی از طریق هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است. هوش هیجانی، نقش میانجی را بین سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان دارد. در مطالعه ای Armstrong و همکاران (۴۴) هوش هیجانی را به عنوان یک عامل میانجی در ارتباط با رویدادهای منفی زندگی معرفی کرده‌اند (۴۴). به عبارتی افراد با هوش هیجانی بالا می‌توانند در موقعیت‌های تنیدگی‌زا که منجر به دلبستگی ناایمن می‌شود، بهتر عمل کنند و این در رشد مهارت‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد. Conner و Davidson نیز نشان داده‌اند افرادی که مشکلات هیجانی و عاطفی دارند یا به عبارتی دارای هوش هیجانی پایین هستند، از سبک دلبستگی ناایمنی برخوردارند و بیشتر به دنبال جلب توجه سایرین، صمیمیت بیش از حد با غریبه‌ها و داشتن روابط دوستانه محدود هستند و در نتیجه در مهارت اجتماعی مشکل دارند (۴۵). مطالعه حاضر نیز با تأیید نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان، اهمیت هوش هیجانی در زندگی فردی و اجتماعی کودکان را برجسته کرد.

نتیجه‌گیری

نظر به اهمیت و ضرورت مهارت‌های اجتماعی کودکان و پیامدهای آن در زندگی آن‌ها، شناخت عوامل محیطی از قبیل سبک دلبستگی و عوامل فردی از قبیل هوش هیجانی، می‌تواند به شناخت عمیق عوامل مؤثر بر تحول مهارت‌های اجتماعی در کودکان، به منظور ارائه راهبردهای مناسب منجر شود. باتوجه به این که در مطالعه حاضر، صرفاً کودکان مقیم در مراکز بهزیستی شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها رعایت احتیاط الزامی است. همچنین، به دلیل آن‌که اعمال کنترل برای حذف اثر تفاوت‌های فردی

همسو با مطالعه‌های Kim است که در زمینه سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی به عنوان یک هم بسته هیجانی یا پیامد هیجانی واقعی از سازه سبک‌های دلبستگی، مفهوم‌سازی شده است و نیز هم سو با مطالعه Pepping و همکاران بود که در مطالعه خود نشان دادند، عدم توانایی تنظیم هیجان متأثر از سبک دلبستگی ناایمن بود (۳۶ و ۳۷). در مطالعه Kafetsios نیز دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار با تمامی زیرمقیاس‌ها و نمره کلی هوش هیجانی داشت (۳۸). صبری، البرزی و بهرامی نیز نشان دادند گفت و شنود از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، می‌تواند تغییرات مرتبط با هوش هیجانی را به شکل معناداری پیش‌بینی کند (۳۹). به نظر می‌رسد والدین با تأمین امنیت برای کودکان، باعث دلبستگی ایمن در کودکان می‌شوند که این دلبستگی ایمن در سازگاری اجتماعی و هوش هیجانی تأثیر قوی دارد.

در مسیر ۲-۳ اثر مستقیم هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان نشان داده شده است. با توجه به نتایج، ضریب مسیر هوش هیجانی به مهارت‌های اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است به عبارتی هر چقدر فرد از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشد، از مهارت‌های اجتماعی مطلوبی برخوردار است. طبق تعریف Bar-On هوش هیجانی از مؤلفه‌های درون فردی و برون فردی متعددی تشکیل شده است (۴۰). مؤلفه درون فردی مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، جرأت ورزی، استقلال، خود نظم دهی و خودشکوفایی را در بر می‌گیرد که نقش به‌سزایی در مهارت اجتماعی دارد. از این منظر، افراد با هوش هیجانی بالا در درک خود و دیگران کارآمد بوده، با دیگران ارتباط مناسب برقرار نموده و قادر به سازگاری و مقابله با محیط خود هستند (۴۱). نتایج مطالعه صفوی و لطفی نیز نشان داد که بین هوش هیجانی و سازگاری هیجانی- اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (۴۲). در واقع، عاطفه نه تنها افکار و قضاوت‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر تعاملات اجتماعی زندگی واقعی افراد نیز تأثیر می‌گذارد. در تحقیقی دیگر همسو با مطالعه حاضر، یارمحمدیان و شرفی‌راد به تحلیل رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی پرداختند و نتایج نشان داد که بین عوامل هوش هیجانی و سازگاری

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از تمامی مسئولین مراکز بهزیستی شهر تهران که در این تحقیق حاضر به همکاری شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

یا دیگر متغیرهای مداخله‌گر احتمالی در طرح‌های پژوهشی از نوع همبستگی، به صورت مستقیم امکان‌پذیر نیست و صرفاً به شیوه‌های نمونه‌برداری و مشابه‌سازی نمونه با جامعه طبیعی بسنده می‌شود، روابط تحلیل شده از تعمیم‌پذیری بالایی برخوردار نیست.

REFERENCES

1. Bawi L, Khodabakhshi Koolae A. Comparison of Mental Health, Happiness, and Emotion Control with Adolescents' Residential Centers of State Welfare Organization and Family Reared Adolescents. *Community Health* 2015; 2 (3): 157-64. (Full Text in Persian).
2. Altun I. The Received Problem Solving Ability and Valued of Student Nurses and Midwives. *Journal of Nurse Education Today* 2003; 23 (4): 578-85.
3. Kharrazi K, Delgoshae Y. Cognitive Approach Towards Education and Its Impact on Social Responsibility of Preschool Children. *Procardia Social and Behavioral Sciences* 2010; 5 (14): 2174-2177. (Full Text in Persian).
4. Turner NE, Donald J, Somerset M. Life Skills, Mathematical Reasoning and Critical Thinking: a Curriculum for the Prevention of Problem Gambling. *Journal of gambling studies* 2008; 24 (4): 161-81.
5. Heiman T, Bergar B. Parents of Children with Asperger Syndrome or with Learning Disabilities: Family Environment and Social Support. *Research in Developmental Disabilities* 2007; 29 (1): 289-300.
6. Whitted KS. Understanding How Social and Emotional Skill Deficits Contribute to School Failure. *Preventing School Failure* 2011; 55 (2): 10-6.
7. Caldrella P, Merrell KW. Common Dimensions of Social Skills of Children and Adolescents: Taxonomy of Positive Behaviors. *School Psychology Review* 2008; 26 (4): 264-78.
8. Gresham FM. Social skills training with handicapped children: a review. *Review of educational research* 2000; 51(10): 139-56.
9. Ahghar GH, Ahmadi A, Ghanbari L. The impact of storytelling in social skills. *Journal of American science* 2013; 9(2): 105-112. (Full Text in Persian).
10. Angelico A, Crippa j, Loureriro S. Social Anxiety Disorder and Social Skill: a Critical Review of the Literature. *International Journal of Behavioral Consultation and Therapy* 2013; 7(4): 16-23.
11. Hart CH, Olsen SF, Robinson CC, Mandlco BL. The Development of social and Communicative Competence in Childhood: Review and of Personal. *Review and of Personal Familial Fatra Familial Process* 1997; 20 (73): 305-317.
12. Berry K, Barrowclough C, Wearden A. A Review of the Role of Adult Attachment Style in Psychosis: Unexplored Issues and Questions for Further Research. *Clinical Psychology Review* 2007; 27 (3): 458-475.
13. Haltigan D, Lamber L, Sefier R, Ekas V, Bauer C, Mseeingert D. Security of Attachment and Quality of Mother Toddler Social Interaction in a High-risk Sample. *Journal Behavioral Developmental* 2012; 35 (1): 83-93.
14. Cassidy j, Shaver PR. *Handbook of Attachment Second Edition: Theory, Research, and Clinical Application*. New York: Guilford press 2008.
15. Cassidy J, Jones J, Shaver PR. Contributions of Attachment Theory and Research: A Framework for Future Research, Translation and Policy. *Development and Psychopathology* 2013; 25 (6): 1415-1434.
16. Masan P, Kagan J, Houston A, Kanjr J. *Growth and Personality of the Child*. Translation Yasayy, M. Tehran: Publishing Media Book 2010. (Full Text in Persian).

17. Sroufe LA, Egeland B, Carson E, Collins A. The Development of the Person: the Minnesota Study of Risk and Adaptation from Birth to Adulthood. New York: Guilford press 2005.
18. Brenning K, Braet C. The Emotion Regulation Model of Attachment: An Emotion-specific Approach. *Personal Relationships* 2013; 20 (1): 107-123.
19. Karimi O, Kimiaee SA, Mahdian H. Studying the Role of Attachment, Emotional Intelligence and Occupational Stress Styles on Job Satisfaction in Mashhad Secondary Course Teachers' in Educational Year 2010-2011. *Quarterly Journal of Career & Organizational Counseling* 2012; 4 (10): 31-45. (Full Text in Persian).
20. Arshi M, Sayad M, Farmani OA. Comparative Study of Emotional Intelligence among Adolescent Girls in the Family and in the Foster Care Institution in Tehran. *Quarterly journal of Social work* 2014; 3 (3): 39-47. (Full Text in Persian).
21. Petrides KV, Furnham A. Trait Emotional Intelligence: Psychometric Investigation with Reference to Established Trait Taxonomies. *European Journal of Personality* 2001; 15 (3): 425-448.
22. Salovey P, Mayer JD, Caruso DR. Emotional Intelligence: New Ability or Eclectic traits? *American Psychologist* 2008; 63 (5): 503-517.
23. Zeidner M, Matthews G, Roberts RD. What We Know about Emotional Intelligence: How it Affects Learning, Work, Relationships, and Our Mental Health. Cambridge: MIT Press 2009.
24. Besharat MA. Psychometric Properties of Farsi Version of the Emotional Intelligence Scale- 41 (FEIS-41). *Personality & Individual Differences* 2007; 43 (1): 991-1000. (Full Text in Persian).
25. Schutte NS, Malouff JM, Thorsteinsson EB, Bhullar N, Rooke SE. A Meta-analytic Investigation of Relation between Emotional Intelligence and Health. *Personality and individual differences* 2007; 42 (2): 921-933.
26. Abbasi B, Hbymbhrhn F. The Relationship between Emotional Intelligence and Social Skill and Academic Achievement of Students. The First Scientific-Research Conference of Social and Cultural Damage in Pedagogy and Psychology in Iran 2014. (Full Text in Persian).
27. Ronaghi S, Delaver A, Mazaheri MA. Construction, Validation and Normalization of the Middle Childhood Attachment. *Educational Measurement* 2013; 4 (11): 95-78. (Full Text in Persian).
28. Gresham FM, Eliot SN. Social Skill Rating Manual. Circle pines. MN: American Guidance Service 1990.
29. Shahim S. Standardization of Social Skills Rating System for Preschool Children. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology* 2005; 11 (2): 176-186. (Full Text in Persian)
30. Schutte NS, Malouff J, Hall L, Haggerty D, Cooper J, Golden C, Dorheim L. Development and Validation of a Measure of Emotional Intelligence. *Personality and Individual Differences* 1997; 25 (3): 167-177.
31. Mayer JD, Salovey P. What Is Emotional Intelligence? In Slaovey P, & Mayer JD (Eds), *Emotional Development and Emotional Intelligence* New York: basic books 1997.
32. Ciarrochi JV, Chan AYC, Caputi PA. Critical evaluation of the emotional intelligence construct. *Personality and individual differences* 2000; 28(1): 539-561.
33. Allen B, Timmer S, Urquiza A. Parent-child interaction therapy as an attachment- based intervention theoretical rationale and pilot date with adopted children. *journal of children and youth services review* 2014; 47(6): 334-341.
34. Scheneider BH, Atkinson L, Tardiff C. Child parent attachment and children's peer relations: A quantitative review. *Development psychology* 2001; 37(2): 86-100.
35. Safaie S. The Relationship Between Attachment Style and Social Development in Dyslexic and Normal Children. *Exceptional Education* 2014; 1(123): 29-35. (Full Text in Persian).
36. Kim Y. Emotional and Cognitive Consequences of Adult Attachment: The Mediating Effect of the Self. *Journal of Personality and Individual Differences* 2005; 39 (5): 913-923.

37. Pepping CA, Davis PJ, O'donovan A. Individual Differences in Attachment and Dispositional Mindfulness: the Mediating Role of Emotion Regulation. *Personality and Individual Differences* 2013; 53 (3): 453-556.
38. Kafetsios K. Attachment and Emotional Intelligence Abilities Across the Life Course. *Personality and Individual Differences* 2004; 37 (5): 129-145.
39. Sabri M, Alborzi M, Bahrami M. The Relationship between Family Communication Patterns, Emotional Intelligence and Creativity of High School students. *Quarterly Journal of New Thoughts on Education* 2013; 9 (2): 63-35. (Full Text in Persian).
40. Bar-On R. Emotional and Social Intelligence: Insights from the Emotional Quotient Inventory (EQ-I). In Bar-On R, Parker JDR (Eds.), *Handbook of Emotional intelligence* San Francisco: Jossey-Bass 2000.
41. Winters J, Clift RJW, Dutton DG. (2004). An exploratory study of emotional Intelligence and Domestic abuse. *Journal of Family Violence* 2004; 19 (5): 255-267.
42. Safavi M, Mousavi S, Lotfi R. Correlation between Emotional Intelligence and Socio-Emotional Adjustment in Pre-university Girl Students in Tehran in 2008. *Pajoohandeh Journal* 2010; 14(5): 255-261. (Full Text in Persian).
43. Yarmohammadian A, Sharafi Rad H. Analysis of Relationship between Emotional Intelligence and Social Adjustment in Teenager Male Students. *Journal Applied Sociology* 2012; 22 (4): 35-50. (Full Text in Persian).
44. Armstrong ARA, Galligan RFB, Critchley CR. Emotional Intelligence and psychological Resilience to Negative Life events. *Personality and Individual Differences* 2011; 51 (4): 331-336.
45. Conner KM, Davidson JRT. Development of a New Resilience Scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety* 2003; 18 (2): 76-82.

Original Article

Attachment Style and Social Skills of Children: The Function of Mediator Emotional Intelligence

Elham Ghorbanian¹, Hadi Mohammadloo¹, Mojtaba Habibi Asgarabad^{2*}, Fatemeh Hasanabadi³

1. Master of School Counseling, Faculty of psychology & Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Health Psychology, Department of Health Psychology, Tehran Institute of Psychiatry- School of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Master of Family Counseling, Faculty of psychology & Educational Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

***Corresponding Author:** Mojtaba Habibi Asgarabad, Department of Health Psychology, Tehran Institute of Psychiatry- School of Behavioral Sciences and Mental Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Email: mo_habibi@sbu.ac.ir

Received: 18 June 2016

Accepted: 20 July 2016

Published: 30 September 2016

How to cite this article:

Ghorbanian E, Mohammadloo H, Habibi Asgarabad M, Hasanabadi F. Attachment Style and Social Skills of Children: The Function of Mediator Emotional Intelligence. *Community Health* 2016; 3(4):278-88.

Abstract

Background and Objective: Many research indicated that children residential centers have the high possibility to diagnose with psychological disorders. Therefore, this study aims to predict social skill based on their attachment style and emotional intelligence undertaken to examine the role of intervention among children residential centers of state welfare organization.

Materials and Methods: This research is a descriptive study. The 400 (240 boys & 160 girls) children residential centers were chosen through cluster sampling method of Tehran city. The survey questionnaire instruments were; social skills, emotional intelligence and attachment style. The data obtained from the structural equation modeling (SEM) were analyzed by using the LISERAL software.

Results: Results show that attachment style directly & indirectly lead to social skill through the mediation variable of emotional intelligence. Between endogenous latent variable and the indicator of attachment style, the path coefficients were respectively 0.60 & 0.32, between endogenous latent 0.41, 0.45 & 0.94, and between the latent variable of indigenous social skill and the indicator the path coefficients were sportively 0.35, 0.50, 0.90 & 0.85. It can be said that and all the causal paths were significant.

Conclusion: Considering the importance and necessity of children social skills and its effects on children's life, recognizing environmental factors such as attachment style and individual factors such as emotional intelligence can finally lead to a deeper recognition of factors affecting the transformation of children's social skills in order to present suitable methods.

Keywords: Attachment, Children, Institutional rearing, Social skill, Emotional intelligence